

بررسی نظریه برچسب‌زنی در آموزه‌ها و حقوق اسلامی



محمد جمالی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

نظریه «برچسب‌زنی» یکی از دیدگاه‌های مشهور در زمینه جرم و جرم‌شناسی است که به آثار وارد آمدن برچسب بر روند رشد و تحول روانی و اجتماعی مجرمان اشاره داشته و به منظور جلوگیری از احتمال بروز آثار و پیامدهای منفی و تبدیل افراد به مجرمین خطرناک در اثر دریافت انگ مجرمیت از افراد جامعه، تأکید بر جرم‌زدایی و مدارای مسئولین جزایی جامعه با برخی رفتارهای مجرمانه داشته و راهکارهای پیشگیری از برچسب خوردن افراد، اندیشه اصلی این نظریه می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به آثار نویسندگان، اسناد، مجلات، روزنامه‌ها و سایت‌های علمی، پس از گردآوری اطلاعات، ضمن تبیین و تشریح مفاهیم اساسی نظریه برچسب‌زنی، نسبت به بررسی محورهای نظریه برچسب‌زنی در منابع حقوق اسلامی اقدام که ملاحظه می‌شود دین مبین اسلام با تأسیس نهادهای حقوقی مختلف نسبت به پیش‌بینی راهکارهایی برای پیشگیری از برچسب خوردن افراد اقدام نموده است. واژگان کلیدی: برچسب‌زنی، حقوق اسلامی، رفتار انحرافی، بزه پوشی



درآمد

جوامع انسانی از ابتدای شکل‌گیری به منظور برقراری نظم و انضباط جامعه و جلوگیری از رفتارهای انحرافی، افراد جامعه را مکلف به رعایت یک‌سری قواعد و مقررات می‌نمودند. این قواعد در آغاز به صورت قواعد نانوشته و در قالب عرف و عادت بود و اعضای جامعه مکلف به رعایت قواعد و مقررات و حقوق اعضای دیگر بودند و کسانی که منافع خود را از عدم پایبندی به آداب و رسوم پذیرفته شده و نقض مقررات جامعه تأمین می‌کردند، با عکس‌العمل‌های شدید مواجه می‌شدند تا اینکه با پیشرفت جوامع و ظهور مکاتب فکری جدید نسبت به تدوین قوانین مکتوب و تعیین مجازات‌هایی برای رفتارها و اعمال نامتناسب با هنجارهای عموماً پذیرفته شده اقدام گردید. بدین شکل نقض قوانین و مقررات با انجام یا ترک رفتارهایی «جرم» نام گرفت و فرد مرتکب «مجرم» و در نهایت عکس‌العمل و واکنش جامعه به منظور برقراری نظم و جلوگیری از تکرار رفتارهای مشابه و افزایش امنیت «مجازات» نامیده شد. با این تفاسیر مفهوم جرم و نابهنجاری را می‌توان پدیده‌ای قراردادی و نسبی تلقی کرد. جوامع با جرم‌انگاری به برخی اعمال عنوان کیفری می‌دهند و اگر این رفتارها توسط فرد انجام شود به او برچسب مجرم می‌زنند. درواقع جرم محصول کارخانه قانون‌گذاری است که بر اساس مفاهیم قراردادی ناشی از دیدگاه صاحبان قدرت از رفتار تعیین می‌گردد. در حقیقت مفاهیمی مانند رفتار خوب، رفتار بد، رفتار مجرمانه در عالم خارج وجود ندارد بلکه گردانندگان واقعی جوامع با لحاظ ضرورت اداره جامعه و حفظ نظم موردنظر خود با اثرپذیری از معیارهای

طبقاتی، فرهنگی، دینی و سیاسی، دست به ارزیابی هنجارها و ارزش‌گذاری آنها می‌زنند؛ اقدامی که قطعاً در ساختارهای اجتماعی متفاوت نتایج مختلفی را موجب می‌شود (نجفی توانا، ۱۳۸۹: ۷۷). دیرزمانی است که اندیشمندان و متفکران حوزه‌های مختلف علم و اندیشه، این نکته را واقعیتی انکارناپذیر در حیات فردی و اجتماعی انسان می‌دانند که برچسب زدن می‌تواند تأثیری تعیین‌کننده بر رفتار و شخصیت فرد داشته باشد. آنان از چشم‌اندازهای مختلف و با سخنان و تعبیرهای گوناگون از این واقعیت سخن گفته‌اند. هاوارد بکر و همکاران او دیدگاه خود را در این زمینه در قالب نظریه‌ای با عنوان نظریه «برچسب‌زنی» ارائه داده‌اند (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۳۶).

نظریه برچسب‌زنی (Labeling Theory) رویکردی بسیار نزدیک به تحلیل‌های ساخت اجتماعی و تعامل نمادین است. این نظریه توسط جامعه‌شناسان در دهه ۶۰ میلادی توسعه یافت. کتاب هاوارد بکر، با عنوان «بیگانگان»، تأثیر زیادی بر توسعه و محبوبیت این نظریه گذاشته است. نظریه برچسب‌زنی معتقد است که انحراف از قانون ذاتی نیست و به جای آن، بر تمایل اکثریت به چسباندن برچسب منفی به اقلیت، یا کسانی که آنها را منحرف از هنجارهای معمول تلقی می‌کند، متمرکز می‌شود. دل‌مشغولی این نظریه این است که چگونه هویت و رفتار افراد ممکن است توسط واژگانی که برای تشریح یا طبقه‌بندی‌شان به کار می‌رود، ارزیابی شده یا تحت تأثیر قرار گیرد. نظریه برچسب‌زنی، ریشه‌های خود را از کتاب خودکشی، اثر جامعه‌شناس فرانسوی، امیل دورکیم گرفته است. او دریافت که جرم، تخطی از یک قانون کیفری نیست، بلکه عملی است که به

حریم جامعه تجاوز می‌کند. او نخستین کسی بود که فهمید برچسب انحراف چنین نقشی را ایفا می‌کند؛ نیاز جامعه به کنترل رفتار (دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا). بر طبق این نظریه، برچسب زدن به شخص، ممکن است وی را به سوی رفتارهایی در جهت نقش مرتبط با برچسب، هدایت کند، حتی اگر آن صفت، کوچک‌ترین شباهتی با وی نداشته باشد. مردم، معمولاً رفتار فرد برچسب زده شده را به نحوی گزارش می‌کنند که گویی رفتاری نابهنجار را توصیف می‌کنند و معمولاً از برچسب‌های شناخته شده برای عموم استفاده می‌کنند که ممکن است در مورد فرد، صادق باشد یا نباشد. این فرآیند، باعث می‌شود تا رفتار مردم و تعاملات آنها با فرد برچسب خورده، دچار تغییر شود.

در این پژوهش، سعی می‌شود محورهای نظریه برچسب‌زنی در آموزه‌های دینی اسلام و حقوق اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

۱- بررسی نظریه برچسب‌زنی

۱-۱- سیر تحولی نظریه

نظریه برچسب‌زنی از موضوعات به کار رفته در علم حقوق بوده و قائلین به آن معتقدند انحراف یک پدیده اجتماعی است و ناشی از عوامل روان‌شناختی یا زیست‌شناختی نبوده، بلکه این جامعه است که هویت انحرافی را در افراد پدید می‌آورد. به زعم این افراد، گروه‌های اجتماعی قانون را به وجود می‌آورند و مشخص می‌کنند چه رفتاری و تحت چه شرایطی صورت پذیرد و رفتار انحرافی به میزان احترام مردم به آن قانون بستگی دارد (دانشنامه حوزوی ویکی‌فقه).

بسیاری از جرم‌شناسان رد پای نظریه برچسب‌زنی را به کتاب جرم و اجتماع (۱۹۳۸) اثر فرانک تانن بام‌باز می‌گردانند.



او معتقد بود وقتی فردی به عنوان بزهکار دستگیر می‌شود این برچسب بزهکاری علاوه بر اینکه می‌تواند تصویر شخص از خودش را تغییر دهد موجب می‌شود تا مردم نسبت به آن برچسب و نه به خود آن فرد واکنش نشان دهند (ملک محمدی، ۱۳۸۳: ۱۵۱).

لکن این تفکر تانن بام عنوان برچسب‌زنی به خود نگرفت تا اینکه در سال ۱۹۶۳ آقای هوارد بکر استاد دانشگاه شیکاگو نظریه تانن بام را روزآمد کرد و تئوری برچسب‌زنی یا انگ‌زنی یا لکه‌زنی را ارائه کرد. نظریه برچسب‌زنی در فضای انتقاد به حقوق کیفری و جرم‌شناسی زمان خود مطرح شد و ابتدا تعریف حقوقی (قانونی) جرم و فرایند جرم‌انگاری را مورد انتقاد قرار داد و سپس برچسب‌زنی را به عنوان عامل جرم مطرح و از جرم‌شناسی موجود به خاطر خردنگری و نادیده گرفتن نقش حقوق کیفری و نهادهای کنترل جرم در بررسی عوامل جرم به شدت انتقاد کرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳).

۱-۲- مفاهیم اساسی نظریه

یکی از مشخصه‌های جرم‌شناسی اثبات‌گرا این است که جرم اساساً به عنوان یک عامل مقدر و محتوم معرفی شده است و این گونه فرض شده است که جرم در دنیای واقعی وجود دارد و افراد جامعه در مورد ارزش‌ها و هنجارهای اساسی جامعه و اینکه چه رفتارهایی باید جرم تلقی شود اجماع دارند و وظیفه جرم‌شناسان ارائه یک تحقیق قابل مشاهده و ملموس در مورد این است که چرا برخی از مردم مرتکب جرم می‌شوند (بطحایی، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

ولی از منظر نظریه برچسب‌زنی انحراف کیفیتی از واکنش است و ذات یک رفتار نیست. اگر واکنشی وجود نداشته باشد انحرافی وجود ندارد (ویلیامز، ۱۳۹۸: ۱۶۳)؛

بنابراین جرم به وسیله کنش و واکنش‌های اجتماعی و به وسیله آنانی که قدرت برچسب‌زنی دارند تعریف می‌شود و مشخص کردن اینکه چه چیزی جرم می‌باشد، توسط مأمورین رسمی و افرادی که دارای قدرت برچسب‌زنی می‌باشند صورت می‌گیرد (وایت - هینس، ۱۳۸۷: ۱۲۵ و ۱۲۳).

از نظر بکر مفهوم جرم تعریفی است که جامعه می‌سازد. منظور او این است که گروه‌های اجتماعی با ساختن قوانینی که خدشه‌دار کردن آنها کج رفتاری محسوب می‌شود، مفهوم کج رفتاری را می‌سازند. در عین حال، این قوانین را در مورد افراد خاصی به کار می‌گیرند و به آنها برچسب بیگانه می‌زنند. از این نظر جرم کیفیت عملی که واقع شده نیست، بلکه پیامد اعمال آن قانون توسط دیگران نسبت به فردی است که مرتکب آن شده است و در این معنا مجرم کسی است که این برچسب به شکل موفقیت‌آمیزی در مورد او به کار برده شده است و جرم نیز رفتاری خواهد بود که دیگران به همین شکل بر آن برچسب زده باشند (والکات، ۱۹۹۸).

بنابراین، در نگاه یک نظریه‌پرداز برچسب‌زنی، پیامدهای احتمالی و منفی فرایند برچسب‌زنی، باور لازم بودن مداخله در نخستین گام را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به نظر آنان بدنامی ناشی از مداخله رسمی دستگاه جزایی به خوبی می‌تواند افراد جوان را به سوی فعالیت در نوعی پیشینه مجرمانه سوق دهد. از این رو نظریه برچسب‌زنی یادآور می‌شود که واکنش نظام جزایی در برابر رفتارهای مجرمانه باید مبتنی بر نوعی سیاست تغییر مسیر باشد. بدین معنا که باید تلاش کرد تا قشرهایی خاص از مجرمان به مسیری جدای از مسیرهای رسمی در دادرسی نظام جزایی هدایت شوند؛

مسیری که آنان را از تماس با بخش عمده‌ای از ارکان رسمی این نظام به دور می‌دارد و از این طریق احتمال بدنام شدن آنان را کاهش دهد (وایت وهینز، ۱۳۹۸: ۱۸۶).

با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان محورهای زیر را به عنوان محورهای اصلی نظریه برچسب‌زنی بیان کرد:

- ۱- نقش صاحبان قدرت در تعریف جرم و تعیین مجرم.
- ۲- آثار دخالت نهادهای کیفری و برچسب خوردن فرد.
- ۳- راه‌حل‌های کنترلی.

۱-۳- برچسب‌زنی عامل جرم‌زا

ادوین لم‌رت به اهمیت متغیر برچسب‌زنی در شکل دادن به رفتار آتی افراد توجه می‌کند. در این تبیین، عمده دغدغه لم‌رت انجام تحلیل در سطحی روان‌شناختی اجتماعی است؛ بدین معنا که او درصدد است پاسخ دو پرسش زیر را دریابد: اینکه چرا یک فرد برای نخستین بار در عملی کجروانه درگیر می‌شود و اینکه چه چیز زمینه پای بند ماندن او را به این نوع رفتار فراهم می‌سازد. در این خصوص لم‌رت مدعی است برای توصیف فرایند برچسب‌زنی، می‌توان بین دو نوع کجروی نخستین و دومین تمایز قائل شد (راب وایت، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

حفظ یک خودانگاره نامجرمانه، برای اغلب مردم خیلی مهم است. وقتی شخص دستگیر و محاکمه و در نهایت محکوم می‌شود، جامعه طی این فرایند او را به طور رسمی و گسترده مجرم معرفی می‌کند (شجاعی، ۱۳۸۰: ۳۰۱).

در این صورت ممکن است شخص تصویر داده شده از سوی جامعه را بپذیرد و بر اساس آن، تصویر شخصی خویش را تغییر دهد و خودانگاره مجرمانه در وی شکل گیرد.



کجروی و پیشگیری از جرم پیش‌بینی شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۲- توصیه و آموزه‌های اسلام در کنترل کجروی

قبل از شروع مباحث به نظر می‌رسد اشاره به آیه شریفه ۴۵ از سوره مبارکه عنکبوت بهترین و کامل‌ترین توصیه خداوند متعال به انسان در خصوص عامل مؤثر در دوری از رفتارهای غیرمعارف و ناپه‌نجان (منکر) لازم و ضروری باشد: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (ای رسول ما) آنچه را که از کتاب (آسمانی قرآن) بر تو وحی شد (بر خلق) تلاوت کن و نماز را به جای آر که همانا نماز است که (اهل نماز را) از هر کار زشت و منکر باز می‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر است و خدا به هر چه (برای خشنودی او و به یاد او) کنید آگاه است».

به پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله گفته شد: فلانی هم نماز می‌خواند و هم خلاف می‌کند، فرمود: «إن صلاته تنهيه يومًا» بالاخره نماز او روزی نجاتش خواهد داد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر کسی دوست دارد قبولی یا ردّ نمازش را بداند، ببیند نمازش او را از فحشا و منکر باز داشته است یا نه. سپس امام علیه‌السلام فرمود: «فبقدر ما منعه قبلت منه» به اندازه‌ای که نماز، انسان را از منکرات باز می‌دارد، به همان اندازه قبول می‌شود (طبرسی، ۴۶۸).

۲-۱- شیوه دادرسی حضرت محمد (ص) به منظور بزه پوشی (قاعده در)

شیوه پیامبر مهر و رحمت حضرت محمد (ص) در مسائل کیفری این بود که با یافتن راه‌گریزی، از اجرای مجازات مسلمانان بزه‌کار خودداری می‌نمودند.

در کل می‌توان گفت که دیدگاه برجسب‌زنی، بر این نکته تأکید دارد که مقامات دستگاه جزایی باید با بسیاری از گونه‌های متفاوت اعمال و رفتار مجرمانه برخوردی توأم با مدارا پیشه کنند. استدلال ارائه شده در این خصوص آن است که قدرت برجسب‌زنی نقش مهم و تعیین‌کننده دارد و آثاری ماندگار به جای می‌گذارد. پس باید آن را به شکلی حساب شده و صرفاً در موارد کاملاً ضروری به کار بست (وایت و هینز، ۱۳۹۸: ۱۸۸).



مطابق ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی: «هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید، به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».



نظریه برجسب‌زنی، با توجه به راه‌کارهایی؛ مانند تعدیل در پیش‌داوری‌های حاکمان و مجریان قوانین در محورهای تعریف کجروی، تعیین و گزینش کجروها و همچنین رفع محدودیت‌های اجرایی نهادهای اجرای قانون تلاش می‌کند؛ بنابراین با عنایت به موارد مطرح شده در رابطه با دیدگاه‌های اندیشمندان نظریه برجسب‌زنی در رابطه با پیشگیری از جرم، علیرغم نبود سنخیتی بین آموزه‌های دینی و اسلامی با این دیدگاه در دین مبین اسلام و شیوه ائمه اطهار و معصومین علیه‌السلام، راه‌هایی برای کنترل

رفتار مجرمانه‌ای که در بستر یک خودانگاره نامجرمانه به علل مختلف زیستی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی روی می‌دهد، از نظر لمرت انحراف اولیه است، ولی رفتار مجرمانه‌ای که در بستر یک خودانگاره مجرمانه ارتکاب می‌یابد انحراف ثانویه و فرایند آن از نظر لمرت به شرح ذیل است:

- ۱- انحراف اولیه؛
- ۲- مجازات اجتماعی؛
- ۳- انحراف اولیه بیشتر؛
- ۴- مجازات سنگین‌تر و پس‌زدن؛
- ۵- انحراف بیشتر احتمالاً همراه با شروع تمرکز خصومت‌ها و کینه‌ها بر روی کسانی که این مجازات‌ها را ایجاد می‌کنند؛
- ۶- بحران‌ها به پایان حد تحمل می‌رسد و در قالب کنش رسمی به وسیله نشان‌دار کردن فرد منحرف از سوی اجتماع ظاهر می‌شود؛
- ۷- تقویت رفتار فرد منحرف به عنوان واکنشی نسبت به نشان‌دار شدن و مجازات؛

۸- پذیرش نهایی موقعیت اجتماعی منحرف و تلاش‌هایی برای تنظیم براساس نقش مرتبط (ویلیامز، نظریه‌های جرم‌شناسی، ۱۳۹۸: ۱۵۸)

با توجه به دیدگاه‌های نظریه برجسب‌زنی در رابطه با کاهش تماس مجرمان با مسیرهای رسمی دادرسی در نظام جزایی به منظور جلوگیری از بدنام شدن آنان به عنوان واکنش در برابر جرم و همچنین عدم برخوردهای شدید؛ مانند حضور در مراجع قضایی، بازداشت و حبس برای جرم‌های دارای خطرات کمتر حتی عدم مداخله یا کمترین مداخله و در صورت ضرورت جرم‌زدایی می‌تواند از احتمال بدنامی‌های غیرضروری بکاهد.



این قاعده امر مسلمی در شیوه آن حضرت بود و احادیث بسیاری در مورد آن از پیامبر نقل شده است. رسول الله (ص) می فرمود: «حدود را با شبهات دفع کنید و شفاعت و کفالت و قسم، در حد وجود ندارد». مراد از شبهه این است که مجرم عمل خود را انجام دهد، در حالی که یا نسبت به حکم مسئله جاهل باشد (نداند که مثلاً دزدی جرم و حرام است) یا نسبت به موضوع جاهل باشد (نداند که عمل او دزدی است) و گمان کند مال، ملک خودش است. (درگاهزاده، ۱۳۹۶: ۱۲۶)

در رابطه با اعمال قاعده در اثبات جرم در قوانین ایران می توان به مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره کرد. البته در ماده ۱۲۱، جرایم محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف از این قاعده مستثنی شده اند.

۲-۲- توصیه به پرهیز از قرار گرفتن در معرض برچسب خوردن

در گفتار و رفتار ائمه علیهم السلام توصیه به پرهیز از قرار گرفتن مسلمین در معرض برچسب خوردن شده، از جمله:

۱- امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه ۶۲ به حارث همدانی می فرمایند: «از هر کاری که از آشکار شدنش شرم داری پرهیز کن، آبروی خود را در آماج تیر گفتار دیگران قرار نده».

همچنین حضرت در حکمت ۱۵۹ می فرمایند: «کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد، نباید جز خود را نکوهش کند».

ابن میثم بحرانی، از شارحان نهج البلاغه در توضیح این مطلب فرموده، امام می گوید:

«چراکه او خود، باعث شده تا به او گمان بد ببرند و سرزنش کسی که گمان بد به وی برده است، وجهی ندارد؛ زیرا بدگمانی

او مستند به قرینه ای است که زمینه به وجود آمدن چنین گمانی است».

۲-۳- توصیه به منع تجسس در زندگی افراد

یکی از راه کارهای کنترلی، منع تجسس در زندگی افراد جامعه و برچسب زدن به آنهاست. در قرآن کریم حرمت تجسس مورد تأکید بوده و سوره مبارکه حجرات با عبارت «لاتجسسوا و لایغتب بعضکم بعضاً؛ هرگز از حال درونی هم تجسس نکنید». صراحتاً تجسس در امور دیگران را منع نموده است. در صدر اسلام نیز این آیه شریفه به معنای عدم تجسس در حریم خصوصی مردم فهم می شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به این مسئله حساسیت داشته و اصلی از اصول این قانون را به این مسئله اختصاص داده است. در اصل ۲۵ قانون اساسی آمده است: «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

به منظور حمایت از بزه دیده در زمینه تجسس در امور دیگران، در قانون مجازات اسلامی نیز ضمانت اجرایی به طور صریح در ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) ذکر شده است: مطابق این ماده «هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید، به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

علاوه بر موارد مصرح فوق، در قوانین متعدد دیگری حفظ حریم خصوصی مردم مورد تأکید قانون گذار بوده است که به دو بخش کلی قابل تقسیم است: بخش نخست، ممنوعیت تفحص و تجسس در امور دیگران توسط مردم و اشخاص حقیقی؛ بخش دوم، ممنوعیت دستگاه های عمومی و دولتی؛ از جمله ضابطین دادگستری، وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه یا نیروی انتظامی و دستگاه قضایی. در این خصوص، می توان به مواد ۲۴۱ و ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی و ۱۶ و ۱۷ قانون جرایم رایانه ای استناد کرد.

حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در بند ششم فرمان هشت ماده ای معروف در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۶۱ هرگونه تجسس مسئولین حکومتی در امور شخصی را ممنوع اعلام کردند. در این فرمان آمده است: «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی، اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است. بعضی از آنها چون اشاعه فحشا از کبایر است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می باشد» (دانشنامه آزاد ویکی پدیا).



۳- راهکارهای پیشگیری از برچسب‌زنی در حقوق اسلامی

در آیین مقدس اسلام علاوه بر توصیه‌هایی به منظور جلوگیری از برچسب‌زنی به افراد، راهکارهایی در نظام کیفری برای پیشگیری از آن مطرح که به شرح ذیل به مواردی اشاره می‌شود.

۳-۱- بزه پوشی

نگرش ویژه‌ای که در حقوق اسلام نسبت به کنش و واکنش‌های جزایی وجود دارد، موجب شده است که در سیاست جنایی اسلام، عکس‌العمل‌های کیفری نه تنها طریق مبارزه با بزه‌کاری تلقی نشده، حتی راه کار مناسب و کارآمد نیز شناخته نشود و از این رو، صورت‌های مختلف و گسترده‌ای در گریز از اجرای واکنش‌های جزایی پیش‌بینی و در جهت دفع کیفر تلاش شده است. این تمایل در مراحل مختلف دادرسی و قبل از آن نیز متجلی است، به طوری که گاه انحراف جریان رسیدگی‌های جزایی از مسیر رسمی آن و عدم طرح پرونده در محکمه مورد تأکید قرار می‌گیرد. برخلاف گرایش جدی و متعارفی که نظام‌های حقوقی دیگر، در کشف جرم و تعقیب مجرم دارند، مخفی داشتن و نهان‌سازی جرم، روشی است که به عنوان یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی اسلام مطرح است. سعی در بزه پوشی و جلوگیری از افشای جرم بر اساس مدارک و ادله موجود در کتاب و سنت، مورد تأیید حقوق‌دانان اسلامی بوده است؛ بنابراین دین مبین اسلام، قرن‌ها پیش با درک آثار سوء برچسب‌زنی، به حفظ آبرو و کرامت نفس انسان‌ها و جلوگیری از ایجاد تصور منفی از فرد در جامعه توجه داشته است (جعفرپور و عدالتجو، ۱۳۹۳: ۱۷-۳۷).

کشف جرم اغلب با گسترش خبرهای مربوط به آن همراه است که این

موضوع با توجه به انتشار مکرر اخبار وقوع آن، ضعف حساسیت‌های عمومی را نسبت به جرم در پی خواهد داشت. خطر عادی شدن جرم علاوه بر تزلزل احساس امنیت در جامعه و شیوع ترس از جرم که مبتنی بر احتمال بزه دیده واقع شدن هر شهروندی است، غیرقابل اغماض و چشم‌پوشی می‌باشد. کاهش زشتی و بدی جرم وحشتناک‌ترین پدیده‌ای است که می‌تواند امنیت و نظام جامعه را متلاشی کند (صادقی، ۱۳۷۸: ۱۶۷).

قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره مبارکه نور چنین می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَحْبُونُ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ أَمَنُوا لَهُمْ عَذَابُ الْيَمِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ «آنان که دوست می‌دارند در میان اهل ایمان کار منکری را اشاعه و شهرت دهند، آنها را در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود و شما نمی‌دانید».

در این راستا متون روایی بسیاری بر نهان‌سازی زشتی‌ها دلالت نموده و به صورت مؤکد به آن توصیه کرده‌اند. از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «بر حاکم است که سه چیز را درباره خاص و عام به اجرا گذارد. پاداش دادن به نیکوکار تا رغبت در انجام عمل نیک در او بیشتر شود، پوشاندن گناه خطاکار تا توبه کند و از گناه بازگردد، ایجاد الفت بین همگان به وسیله احسان کردن و انصاف به خرج دادن» (حرانی، ۱۳۶۶: ۳۴۰).

ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پیرامون ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت و همچنین ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی در ارتباط با ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت در صورت نبود ادله

اثبات قانونی بر وقوع جرم، از جمله مستندات قانونی بر بزه پوشی می‌باشد. ۳-۲- سخت‌گیری در اثبات جرم یکی دیگر از تدابیر سیاست کیفری اسلام اصل «سخت‌گیری» در اثبات برخی جرایم؛ از جمله جرایم مربوط به جرایم جنسی است؛ ضمن اینکه ادله اثبات کیفری نیز به نحوی مشروط و مقید شده است که اثبات جرم با آن ادله سخت و بعید است. همچنین سخت‌گیری موجود در کمیت و کیفیت احراز شهادت در برخی جرایم حاکی از عدم علاقه شارع مقدس به تحقق برخی جرایم و تأکید بر مستور ماندن برخی خطاهای افراد است. در این رابطه می‌توان به آیه ۱۵ سوره مبارکه نساء استناد کرد که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَائِكُمْ فَاسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ أَرْبَعَةً مِنْهُمْ فَأَنْتُمْ شُهَدَاؤُا فَمُسْكُوهُنَ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتُوفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا»؛ «زنانی از شما که عمل ناشایست کند چهار شاهد مسلمان بر آنها بخواهید. چنانچه شهادت دادند در این صورت آنان را در خانه نگهدارید تا زمان عمرشان به پایان رسد یا خدا برای آنها راهی پدیدار گرداند».

سیاست فوق از این حقیقت پرده برمی‌دارد که شارع مقدس اسلام در «جرایم حق‌اللهمی محض» به دنبال اثبات نیست؛ چراکه انسان این خلیفه خدا بر زمین و موجود برتر عالم ماده که بر گل‌واژه تکریم آراسته شده، دارای صفات و استعداد‌های معنوی است که باید در مسیر خلافت و جانشینی خدا آنها را به فعلیت برساند. درواقع اصل سخت‌گیری برای آن است که انسان به آن غایت خود برسد و الا اگر سهولت در اثبات مقرر می‌شد و با اندک بهانه‌ای آدمی در این جرایم (برخواسته از غریزه سرکش)



در معرض مجازات سنگین قرار می‌گرفت، این زمینه را از دست می‌داد و شرافت و کرامتش مخدوش می‌شد (فاطمی نسب، ۱۳۹۱).

۳-۳- توبه

توبه که از ویژگی‌های حقوق اسلامی است از دیدگاه قرآن و سنت فرصتی داده شده به مجرم است تا از رفتار خود پشیمان گشته و راه اصلاح در پیش گیرد. توبه به معنای بازگشت همراه با پشیمانی به سوی خدا و دوری از گناه و عزم بر عدم بازگشت به آن و نیز طلب مغفرت از خداوند و سعی و تلاش بر جبران گذشته است.

نهاد حقوقی توبه در کنار آثار اخروی، آثار دنیوی نیز دارد. چون آثار آن در مجازات‌های دنیوی محل اختلاف حقوقدانان اسلامی است، بررسی کارکرد آن در مجازات‌ها ضروری می‌نماید. در این باب در حقوق اسلامی چند دیدگاه وجود دارد؛ ظاهریه معتقدند توبه مجرم در سقوط مجازات‌های دنیوی نقشی ندارد؛ به این دلیل که پذیرش سقوط مجازات به وسیله توبه، به تعطیل شدن حدود الهی منجر می‌شود و توبه را تنها، مسقط مجازات‌های اخروی می‌دانند. حنفیه، مالکیه و شافعیه (در قول اظهر) بر این باورند که توبه تنها مجازات جرم محاربه را مشروط بر اینکه محارب پیش از سلطه قوای حکومتی توبه کرده باشد، ساقط می‌نماید و تأثیری در سایر مجازات‌ها ندارد؛ زیرا تنها نسبت به جرم محاربه نص صریح وارد شده است. امامیه در قول مشهور و همچنین حنابله و شافعیه در یکی از اقوال حسب مورد به استناد احادیث و قیاس سایر مجازات‌ها بر محاربه، معتقدند که توبه مجرم به طور کلی مسقط مجازات است. به نظر می‌رسد این دیدگاه که از نوآوری‌های

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است (فصل یازدهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبحث پنجم مواد قانونی ۱۱۴ تا ۱۱۹)، بیشتر همسو با فلسفه اصلاحی تربیتی مجازات‌ها می‌باشد (طاهری و امینی، ۱۳۹۳: ۳۵).



نظریه برچسب‌زنی یادآور می‌شود که واکنش نظام جزایی در برابر رفتارهای مجرمانه باید مبتنی بر نوعی سیاست تغییر مسیر باشد. بدین معنا که باید تلاش کرد تا قشرهایی خاص از مجرمان به مسیری جدای از مسیرهای رسمی در دادرسی نظام جزایی هدایت شوند؛ مسیری که آنان را از تماس با بخش عمده‌ای از ارکان رسمی این نظام به دور می‌دارد و از این طریق احتمال بدنام شدن آنان را کاهش دهد.



۳-۴- عفو

موضوع «عفو» یکی دیگر از مباحث مهم در قانون مجازات اسلامی است. عفو به دو نوع عفو عمومی و خصوصی تقسیم شده است. عفو عمومی به موجب قانون اعطا می‌شود و از موجبات لغو تعقیب است و عفو خصوصی که فقط ناظر به مجازات و از موجبات لغو آن است، برابر مفاد ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی، پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه با مقام رهبری است. همچنین برابر ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی در عفو عمومی تعقیب، دادرسی و اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود. طبق ماده ۹۸ قانون مجازات اسلامی، عفو خصوصی همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند،

لیکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده ندارد. عفو عمومی در هر مرحله‌ای از دادرسی‌های کیفری قابل اعمال است؛ در مرحله کشف، تحقیقات، مقدماتی، تعقیب، دادرسی و اجرای حکم، درحالی که عفو خصوصی مختص مرحله بعد از صدور حکم قطعی است و پیش از آن قابل اعمال نیست.

۳-۵- میانجی‌گری

میانجی‌گری و تلاش در جهت صلح و سازش بین طرفین دعوا در فقه و آیات و روایات اسلامی بیان شده است. خداوند متعال در آیه ۱۰ سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: «لَا تَأْخُذْ بَعِثَةِ الْفُجُورِ أَوْ تَعْلَمَ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تَرْحَمُونَ»؛ «مؤمنان برادر یکدیگرند. پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید». آیه شریفه یکی از وظایف مؤمنان نسبت به یکدیگر را صلح و آشتی و میانجی‌گری بین دو فرد یا دو گروهی قرار داده که با یکدیگر دشمنی و نزاع دارند.

از ابن عباس نقل شده است؛ دو نفر از قبیله اوس و خزرج با یکدیگر بر سر موضوعی اختلاف نمودند و نزاعشان بالا گرفت تا اینکه قبیله دو طرف نیز به طرفداری هر کدام با یکدیگر درگیر شدند و پیامبر اسلام (ص) میان ایشان میانجی‌گری کرده و آنان را با هم آشتی داد و بینشان صلح برقرار نمود (حسینی، ۱۴۰۴: ق). میانجی‌گری در واقع پروسه‌ای است که طی آن شاکی و متهم با مدیریت فرد میانجیگر در خارج از محیط دادگاه در خصوص علت جرم به وجود آمده، آثار و نتایج برجای مانده از جرم و همچنین راه‌های جبران خسارات به وجود آمده از این جرم با شاکی و متهم گفتگو می‌کند و در صورتی که منجر به صلح و سازش



بشود، تعهدات و حقوق طرفین توسط فرد یا مؤسسه میانجیگر تعیین می‌گردد. لازم به ذکر است که میانجیگر ممکن است شخص خاصی باشد که بر اساس مشخصاتی که در آیین‌نامه میانجیگری بیان شده است توسط طرفین تعیین شود و یا دادستان مؤسسات و مراکزی که در این خصوص وجود دارد را به طرفین معرفی نماید که در واقع بر طبق آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری، میانجیگر، شخص یا مؤسسه‌ای است

که فرایند گفتگو و ایجاد سازش بین طرفین امر کیفری را مدیریت و تسهیل می‌نماید.

برابر ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، دادستان و یا مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت شاکی یا مدعی خصوصی و با أخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای گرفتن رضایت

شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. از دیگر اقداماتی که دادستان و مقام قضایی می‌توانند برای حل و فصل اختلافات انجام دهند، این است که موضوع اختلاف را با توافق طرفین دعوا به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد که مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست و در صورت انقضا، فقط برای یک بار و به میزان مذکور در این ماده قابل تمدید است.

برآمد

این پژوهش به بررسی نظریه برچسب‌زنی از دیدگاه حقوق اسلامی پرداخته است. در این نظریه به اثرات مخرب برچسب‌زنی به افراد در اثر ارتکاب جرم تأکید شده و اندیشمندان این نظریه بر جرم‌زدایی و برخورد توأم با مدارا توسط مقامات جزایی تأکید دارند. این در حالی است که دین مبین اسلام سال‌ها پیش از اندیشمندان و متفکران غرب، با توصیه‌هایی به افراد جامعه در نحوه برخورد و رفتار با یکدیگر؛ از جمله توصیه به عدم تجسس، پرهیز از قرار گرفتن در معرض برچسب‌زنی و همچنین تأسیس نهادهای حقوقی متنوع؛ از جمله بزه پوشی (پوشاندن و مخفی نگه‌داشتن جرم)، سخت‌گیری در اثبات جرم، توبه، عفو مجرم و میانجیگری، به اهمیت پیشگیری از برچسب‌زنی‌های بی‌مورد توجه ویژه داشته و مقابل برچسب‌زنی عمل می‌کند که حقوق ایران نیز تحت تأثیر و الهام از شرع مقدس اسلام، آیات، روایات و سنت، با پیش‌بینی قوانین مناسب، سعی در کاهش آثار منفی برچسب‌زنی به افراد جامعه دارد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج‌البلاغه، حکمت ۱۵۹
- ۳- ابن میثم، میثم بن علی، شرح نهج‌البلاغه، جلد ۵، برگردان: محمدصادق عارف زاده، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۵
- ۴- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۷، دارالمعرفه، بیروت، لبنان، ۴۶۸ هـ. ق
- ۵- جعفر پور، صادق، عدالتجو، الهام و اعظم، بزه پوشی و تأثیر آن در پیشگیری از انحراف ثانویه، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۳۹۳
- ۶- حسن بن علی حرانی، تحف العقول، انتشارات مکتبه الصدوق، تهران: چاپ ۱، ۱۳۶۶
- ۷- حسینی جرجانی، ابوالفتح، سید امیر، آیات الاحکام، جلد ۲، تحقیق، میرزا ولی‌الله اشراقی سرابی، تهران، نوید، چاپ ۱، ۱۴۰۴ هـ. ق
- ۸- درگاهزاده، محمد؛ درگاهزاده پریسا، شیوه‌های دادرسی پیامبر اعظم (ص) و ارائه ویژگی‌های آن، ماهنامه دادرسی، شماره ۱۲۶، ۱۳۹۶
- ۹- راب وایت، فیونا هینز، جرم و جرم‌شناسی، برگردان: علی سلیمی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸
- ۱۰- فاطمی نسب، رامین، بررسی سخت‌گیری اثبات جرایم جنسی در حقوق
- کیفری اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم - دانشکده حقوق، ۱۳۹۱
- ۱۱- حسینی، سید محمد؛ متولی زاده، نفیسه، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره ۴، ۱۳۹۱
- ۱۲- صادقی، محمدهادی، بزه پوشی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۶۷، ۱۳۷۸
- ۱۳- طاهری، محمدعلی؛ امینی، جهاندار، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، (فروغ وحدت سابق)، سال نهم، شماره ۳۵، ۱۳۹۳
- ۱۴- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنائی، (تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی)، تهیه و تنظیم مهدی صبور، ۱۳۸۴-۱۳۸۳
- ۱۵- نجفی توانا، علی، جرم‌شناسی، تهران، نشر آموزش سنجش، ۱۳۸۹
- ۱۶- وایت - هینس، راب، فیونا، درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، برگردان: صدیق بطحایی اصل، تهران، نشر دادگستر، چاپ ۱، ۱۳۸۲
- ۱۷- ولد - برنارد - اسنیس، جرج، توماس، جرم‌شناسی نظری، برگردان: علی شجاعی، تهران، سمت، چاپ ۱، ۱۳۸۰
- ۱۸- ویلیامز، مک شین، فرانک پی، ماریین دی، نظریه‌های جرم‌شناسی، برگردان: حمیدرضا ملک محمدی، تهران، نشر میزان، چاپ ۱، ۱۳۸۳
19. Walklate, Sandra, *Understanding Criminology; Current Theoretical Debates*, Open University Press, 1998